


این حقیقت به تجربه ثابت شده و در روانکاوی نیز به ثبوت رسیده که: **واگنر** در خانواده ای تبعیض و استبداد حکمفرما باشد و اعضای آن از برابری و عدالت محروم گردند؛ افراد محروم چنین خانواده ای در صورتیکه نتوانند از طریق عادی و طبیعی حقوق از دست رفته خود را باز یابند، عکس عملهای گوناگونی نشان خواهند داد.

یابک حالت افسردگی و بی-علاقگی از زندگی و وازدگی از دنیا در آنها پدید خواهد آمد، در نتیجه محرومیت خود را از راه فرورفتن در خود (درونگرانی) و نساچیز شمردن مظاهر زندگی جبران خواهند کرد، یابیه شکل اعمال انتقامی حاد از قبیل: شکستن ظروف و درو پنجره منزل؛ داد و بیداد کردن، عصبان و نافرمانی نمودن و... ابراز مخالفت خواهند نمود.

اجتماع نیز چنین است 

هر گاه در جامعه ای تبعیض و بیدادگری حکمفرما باشد، افراد محروم آن اجتماع، گرفتار عقده های روانی شده و آن عقده ها گاهی به شکل وازدگی از زندگی،

قیام های ضد طبقاتی

در ایران

زین العابدین قزوینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

چرا و چگونه

کشور باستانی ما

برای

پذیرش اسلام

آماده شد؟

عزالت گزینی، ریاضت کشی، صوفیگری؛ درویشی، هیپیگری و.... تجلی میکند و گاهی به شکل اعمال انتقامی حاد درمیآید. گرایش عجیب مردم در حکو- منهای بنی امیه و بنی عباس و زمانهای بعد به ریاضت و تصوف، و همچنین انقلابهای خونین ابو مسلم و کشت و کشتار بیرحمانه بنی امیه به دست عبدالله بن علی در شام و حوادمی که در انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب سوسیالیستی شوروی و چین و... صورت گرفته و نیز گرایش نسل سرگردان کنونی به هیپی گری و پناه بردن به الکل و مواد مخدر، و عصبان و سرگردانی و پیدایش مکتبهای انحرافی وید آموزشی از قبیل: اگرستانسیالیسم و... در عصر ما نشانه تبعیض و نابرابری و بیداری در این عصرها بوده است.

قیامهای مانی و مزدک

نظام منور طبقاتی که در عصر ساسانیان حکمفرما بود، چنان جان توده محروم را به لب آورده بود که منتظر آن بودند: «دستی از غیب برون آید و کاری به کند». سرانجام قیامهای « سنت

شکنا» مانی و مزدک پدید آمد و توده محروم را به خود جذب نمود.

«مانی» در سال ۲۱۶ میلادی در یکی از دهات بابل (۱) به دنیا آمد و در سن ۲۶ سالگی در عهد سلطنت شاپور اول آئین خود را که معجونی از بودائی و زردشتی و صابئی و مسیحیت است اعلام نمود.

برجستگی آئین او دعوت به زهد و ریاضت و ترك لذائذ مادی و اعتقاد به تناسخ و مبارزه با تبعیض و نابرابری بود بدیهی است ملت‌های استعمارزده از راه «درونگرائی» و ریاضت، و به امید آنکه روحشان چند صباح دیگر به همین دنیا مادر اجسام موجوداتی عالیتر حلول خواهد کرد، خود را راضی و خشنود ساخته رنج ناکامی و محرومیت اجتماعی را بر خود هموار میسازند. این طرز تفکر عکس العملی بود

که توده محروم دوره ساسانی در برابر تبعیض و نابرابریها نشان میدادند و از وضع موجود، اظهار (۱) بابل یکی از شهرهای بین النهرین بوده است.

ناراضائی میکردند.

گرچه شاپور اول به تحریک روحانیان زردشتی و یهودی که مانی به خاطر تبعیض و نابرابری آئین یهود با آن مخالفت میکرد در سال ۲۷۶ میلادی به وضع فجیعی او را کشت و پوست بدنش را از کاه پر کرده و به دروازه شهر مدائن آویخت اما آئین او سالها در ممالک خاور میانه و آسیای و سطلی و چین غربی و ترکستان شمالی و ایران و بین النهرین و آسیای صغیر و شام و روم و اروپا به صور و اشکال مختلف ادامه داشته است (۱).

پنجاه سال پس از قتل «مانی» شخصی به نام «زردشت» فرزند «چورکان» که می گویند از اهالی فسای شیراز بوده آئین جدیدی به نام «درست دینان» به وجود آورد که اصول آن مبارزه با نظام منفور طبقاتی بود ولی نتوانست جلوه چشمگیری کند.

در اواخر قرن پنجم میلادی، شخصی بنام «مزدک» فرزند «بامداد» که از پیروان آئین جدید «درست

(۱) نه گفتار در تاریخ ادیان ج ۲ ص ۱۹۴.

دنیان» بود، از قوانین ظالمانه ایران که پاسدار نظام منفور طبقاتی بود و کشور ایران را به بهشت هزار فامیل و جهنم هولناک توده زحمتکش تبدیل کرده بود، انتقاد سختی نمود و آئین خود را آشکار کرد.

او علاج همه بدبختیهای اجتماعی را در برقراری عدالت و مساوات میدانست و معتقد بود عامل مهم تبعیض و نابرابری مال و زن است و باید تمام مردم در برهمندی از آنها یکسان باشند، (و حتی در این قسمت راه افراط را پیمود).

از آنجا که توده زحمتکش جانان از وضع نابسامان موجود به لب آمده بود این ندارانسیم بهشتی انگاشتند، به آن لیبک گفته به کیش مزدک گرویدند و داخل خانه نجبا و اشراف ریختند و دست به غارت اموال و تصرف زنان و حرمسراهاشان زدند و پیش آمد آنچه نباید پیش آید! (۱).

«کریستن سن» دانشمند معروف ایران شناس در فصل هفتم کتابش درباره اصل و انگیزه قیام مزدک چنین مینویسد: «... نزد این طائفه (مزدکیها) چنانکه نزد مانویها اصل

(۱) نه گفتار در تاریخ ادیان ص ۲۰۰ - ملل و نحل شهرستانی ص ۱۹۵.

آنست، که انسان علاقه خود را از مادیات کم کند و از آنچه این علاقه را مستحکم تر میسازد اجتناب ورزد. و از این رو خوردن گوشت حیوانات نزد مزدکیها ممنوع بود و درباره غذا همواره تابع قواعد معینی بودند و ریاضتهایی میکشیدند. منع خوردن گوشت حیوانی سبب دیگری هم داشت، برای خوردن حیوان، کشتن حیوان لازم بود و ریختن خون نتیجه اش منع ارواح از حصول نجات میشد!

«شهرستانی» نقل میکند که: «مزدک امر به قتل نفوس میداد تا آنان را از اختلاط با ظلمات نجات به بخشد» ممکن است مراد از این قتل، کشتن خواهشها و شهوتها باشد که سدره نجاتند...

به عقیده او چون علت اصلی کینه و ناسازگاری؛ نابرابری مردمان است، پس باید ناچار عدم مساوات را از میان برداشت تا کینه و نفاق نیز از جهان رخت برینند.

در جامعه مانوی «برگزیدگان» بایستی در تجرد بمانند و بیش از غذای یکروز و جامه یکسال چیزی نداشته باشند.

از آنجا که نزد مزدکیهانیز

همین میل به زهد و ترك لذات موجود بوده میتوان حدس زد که طبقه عالی مزدکیان هم قواعدی شبیه برگزیدگان مانوی داشته اند، ولی پیشوایان مزدکیه دریافته اند که مردمان عادی نمیتوانند از میل و رغبت به لذات و تمتعات مادی از قبیل داشتن ثروت و زنان و یادست یافتن بزین مخصوصی که مورد علاقه است؛ رهایی یابند، مگر اینکه بتوانند این امیال خود را به آزادی و بیلامانع افنا کنند.

پس این قبیل افکار را مبنای عقائد و نظریات خود قرار دادند و گفتند که: خداوند کلیه وسائل معیشت را در روی زمین در دسترس مردمان قرار داده است تا افراد بشر آنرا به تساوی بین خود قسمت کنند، به قسمی که کسی بیش از دیگر هموعان خود چیزی نداشته باشد!

نابرابری و عدم مساوات درد دنیا به جبر و قهر از آن به وجود آمده است که هر کس میخواسته تمایلات و رغبتهای خود را از کیسه برادر خود اقتاع کند، اما در حقیقت هیچکس حق داشتن خواسته و مال و زن، بیش از سایر هموعان خود ندارد، پس باید از توانگران گرفت و به تهی دستان داد، تا به این وسیله مساوات دوباره در این جهان

برقرار شود.

زن و خواسته باید مانند آب و آتش و مراتع در دسترس همگان «بالاشعراک» قرار گیرد! این عمل خیریه است که خداوند فرموده و نزد او اجر و پاداش عظیم دارد و گذشته از تمام اینها دستگیری مردمان از یکدیگر عملی است قابل توجه و باعث خوشنودی خداوند! (۱)

البته این طرز تفکر افراطی و نادرست عکس العملی بود در برابر آن تبعیضها و تبعیضها که در عصر ساسانی رواج داشته است که یکمده عزیزان بلاجهت و نور چشمها و هزار فامیل از همه مواهب زندگی بهره مند بودند ولی اکثریت جمعیت از سوازم اولیه زندگی محروم بودند، خسرو پرویز حق داشت دوازده هزار زن و کنیز و تنها ۱۵۰۰ میلیون متقال طلا داشته باشد اما دیگران باید به زحمت شکم خود را سیر کرده و قادر به ازدواج و اداره يك زن هم نباشند!!

بدیهی است آن نظام منفور این عکس العمل حاد را بدنبال

(۱) ایران در زمان ساسانیان ص ۳۶۷

خواهد داشت؛ در حقیقت نظام غلط کمونیستی و اشتراکی زائیده سرمایه داری غلط و گشادبازیهائی است که کاپیتالیسم به وجود میآورد.

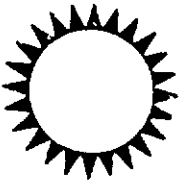
یکی از نویسندگان معروف درباره قیامهای سنت شکنانه مانی و مزدك که عکس العمل نظام غلط طبقاتی دوره ساسانی بوده چنین مینویسد: «... امتیاز طبقاتی و محروم بودن عده کثیری از مردم ایران از حق مالکیت، ناچار اوضاع خاصی پیش آورده بود و به همین جهت جامعه ایرانی در دوره ساسانی هرگز متحد و متفق الکلمه نبوده توده های عظیم از مردم همیشه ناراضی و نگران و محروم زیسته اند، اینست که دو انقلاب که پایه هردو بر این اوضاع گذاشته بود و هر دو برای این بود که مردم رابه حق مشروع خداداد خود برسانند در این دوره روی داده است:

نخست در سال ۱۴۰ میلادی در روز تاجگذاری شاپور اول یعنی چهارده سال پس از تأسیس این سلسله نهادن این اساس «مانی» دین خود را که پناهگاهی برای این گروه محروم بوده است، اعلان کرد و پیش برد.

تقریباً پنجاه سال پس از این

واقعه «زرادشت» نام از فارس اصول دیگری که معلوم نیست تا چه اندازه اشتراکی بوده است اعلان کرد و چون وی کاری از پیش نبرد و دوست سال پس از آن بار دیگر «مزدك» پسر «بامداد» همان اصول را به میان آورد.

سرانجام می بایست اسلام که در آن زمان مسلکی آزادمنش و پیشرو و خواستار برابری بود، این اوضاع را در هم نوردد و محرومان و ناکامان اجتماع را به حق خود برساند» (۱). در شماره آینده تحت عنوان «اسلام، حماسه آزادی و برابری توده ها» بحث خواهیم کرد.



(۱) تاریخ اجتماعی ایران ج ۳

ص ۲۶ - ۲۷

شماره ۹ - سال ۱۳۴۷